



## تبیین مفهومی و فرآیندی استعداد بر اساس منابع اسلامی

سید مهدی خطیب\*

### چکیده

در نظام تربیتی اسلام که هدفش به کمال رساندن انسان است، تربیت و پرورش، چیزی جز شکوفاکردن استعدادهای درونی، که به صورت بالقوه در انسان وجود دارد، نیست. این پژوهش به منظور بررسی تحلیل مفهومی و فرآیندی استعداد بر اساس منابع اسلامی طراحی شد. روش این پژوهش توصیفی تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان داد واژه «استعداد» به معنایی که امروزه در متون روان‌شناسی و علوم تربیتی بدان پرداخته می‌شود، در منابع دینی به کار نرفته است، اما برخی مفاهیم و مضامین دینی، به موضوع استعداد و فرآیند تحول آن اشاره دارد. طبق یافته‌های این پژوهش، استعداد با نگاه دینی، مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی انسان است که در زمینه‌ای خاص آشکار شده و زمینه‌ساز فضایل اخلاقی است و در جهت کمال و شکوفایی انسان قرار می‌گیرد. همچنین، یافته‌ها نشان داد در تبیین فرآیندی سازه دینی استعداد، سه مفهوم «فطرت»، «ابتلا» و «کمال»، نقش اساسی دارند و فرآیندی که از فطرت آغاز می‌شود با مداخله ابتلائات، به کشف استعداد منجر می‌گردد و در رهگذر کسب فضایل اخلاقی، فرد را به شکوفایی و کمال می‌رساند.

**کلیدواژه‌ها:** استعداد، مفهوم‌شناسی استعداد، فرآیند استعداد، فطرت، کمال، ابتلا.

## مقدمه

از گذشته دور تا به امروز، استعداد<sup>۱</sup> یکی از عوامل موفقیت و یکی از شاخص‌های مهم برجستگی نخبگان دانسته شده است. این موضوع، در فضای علمی غرب از زمان افلاطون تا کنون محل بحث و مناقشه بوده است. از میان فلاسفه یونان، ارسطو معتقد بود در جهان غایتمند، آدمی موجودی است که ماهیتی معین و غایتی مشخص دارد و در جریان رویشی مداوم و هماهنگ می‌تواند صورت تحقق‌یافته و نهایی خویش را بیابد (باقری، ۱۳۷۷، ص ۸۶). از میان فلاسفه مسلمان، ابن‌سینا از استعداد به عنوان یکی از مباحث کلیدی در حوزه تعلیم و تربیت سخن به میان آورده است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۸).

تاریخ روان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که روان‌شناسان از میان سه هدف اصلی روان‌شناسی، یعنی: ۱. شناسایی و درمان بیماری‌های روانی؛ ۲. رضایت‌بخش‌ترکردن زندگی مردم؛ و ۳. شناسایی و پرورش استعدادهای عالی، فقط در شناسایی و درمان بیماری‌های روانی موفق بوده‌اند و دو مأموریت مهم دیگر روان‌شناسی، یعنی رضایت‌بخش‌ترکردن زندگی مردم و شناسایی و پرورش استعدادهای عالی، عملاً فراموش شده است (سلیگمن<sup>۲</sup> و مهایی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰، ص ۶). تا آنکه در اواخر قرن بیستم، استعداد و موضوعات نزدیک به آن، محور پژوهش‌های برخی از نظریه‌پردازان شد (کر،<sup>۴</sup> ۲۰۰۹، ص ۸۶۴). پس از آن بود که در مطالعات روان‌شناختی، با انکارناپذیردانستن وجود تفاوت‌های فردی، از واژگانی مانند «استعداد»، «هوش»،<sup>۵</sup> «سرآمدی»،<sup>۶</sup> «خلاصیت»<sup>۷</sup> و «نبوغ»<sup>۸</sup> سخن به میان آمد و انواع، ابعاد و مراحل تحول آن بررسی شد و زمینه پدیدارشدن دیدگاه‌های مختلف فراهم آمد (باقری، ۱۳۷۷، ص ۸۵).

تعدد واژگانی و پیچیدگی‌های لفظی مفهوم «استعداد» موجب شده است تعریف اصطلاحی آن دشوار شود. بررسی کاربردی این واژگان نشان می‌دهد دیدگاه‌های مختلف هنوز مفهومی یکپارچه از آن عرضه نکرده‌اند و تمایز مفهومی آن از واژگان مشابه و هم‌مرز مشخص نشده است (کالاها،<sup>۹</sup> ۲۰۰۹؛

1. talent

3. Mihaly, C

5. Intelligence

7. creativity

9. Callahan, C. M

2. Seligman, M. E. P

4. Kerr, B

6. giftedness

8. genius

دیویدسن،<sup>۱</sup> ۱۹۸۶؛ رنزولی،<sup>۲</sup> ۱۹۸۶؛ استرنبرگ،<sup>۳</sup> ۱۹۸۶ تا آنجا که برخی صاحب نظران، مفهوم «استعداد» را در روان‌شناسی و علوم تربیتی غرق در اجمال و ابهام می‌دانند (باقری، ۱۳۷۷، ص ۸۵).

با وجود این، کلاین<sup>۴</sup> (۲۰۱۳، ص ۲۲۹)، استعداد را «مجموعه‌ای از توانایی‌هایی که در فرهنگ‌های خاص با ارزش به شمار می‌رود» می‌داند. کالینگز<sup>۵</sup> و ملاهی<sup>۶</sup> (۲۰۰۹)، اوریلی<sup>۷</sup> و پففر<sup>۸</sup> (۲۰۰۰) و ویلیامز<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) آن را «ساختاری زمینه‌ای و امری بدیهی» دانسته‌اند. گلاردو،<sup>۱۰</sup> دریس<sup>۱۱</sup> و کروز<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۳) استعداد را «توانایی طبیعی برای انجام‌دادن کار به خوبی؛ توانایی ویژه یا قوه ذهنی» تعریف کرده‌اند. تنسلی<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۱) می‌گوید «استعداد توانایی ذاتی است که در زمینه‌ای خاص آشکار شده و به کار برده می‌شود». برخی اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت از جمله شفلر (۱۹۸۵، ص ۴۵) درصدد برآمده‌اند برداشت رایج از مفهوم «استعداد» را بازسازی، و مفاهیم جدیدی را جایگزین آن کنند. شفلر با تکیه بر برداشت خود از ماهیت آدمی، استعداد را در قالب سه مفهوم «ظرفیت»،<sup>۱۴</sup> «گرایش»<sup>۱۵</sup> و «قابلیت»<sup>۱۶</sup> صورت‌بندی می‌کند که وجه مشترک این مفاهیم «اقتضای درونی برای اکتساب خصیصه‌ای غیرموجود در حال حاضر» است. جان وایت<sup>۱۷</sup> (۱۹۸۶) در بررسی دیدگاه شفلر معتقد است مبنا و معیار شفلر در تحلیل مفهوم «استعداد»، زبان عادی است (مثلاً: جان استعداد پیانونوازی دارد) و چنین صورت‌بندی‌هایی را نمی‌توان از تحلیل زبان عادی به دست آورد. زیرا به گمان وی، وقتی مردم مفهوم «استعداد» را در زبان عادی به کار می‌گیرند، همان پیش‌فرض‌های سنتی این مفهوم را در نظر دارند که شفلر آنها را نقادی کرده است (باقری، ۱۳۷۷، ص ۸۹).

در گذشته چنین تصور می‌شد که استعدادها خصایص مادرزادی‌اند و از وراثت ناشی می‌شوند و

1. Davidson, J. E

3. Sternberg, R. J

5. Collings, D. J

7. O'Reilly, C. A

9. Williams, M

11. Dries, N

13. Tansley, C

15. Propensity

17. White, J

2. Renzulli, J. S

4. Kline, P

6. Mellahi, K

8. Pfeffer, J

10. Gallardo, G. E

12. Cruz, T

14. capacity

16. capability

تجربه و عوامل محیطی در آنها بی‌تأثیر است، اما پژوهش‌ها نشان داد که هرچند عامل وراثت در استعداد‌های مختلف نقش دارد اما تجربه و عامل محیطی نیز در رشد آنها مؤثر است و چنانچه عوامل محیطی و امکانات آموزشی فراهم نباشد، استعدادها شکوفا نمی‌شود (شریفی، ۱۳۷۶). برخی حتی معتقدند استعداد‌های استثنایی بیشتر اکتسابی‌اند تا فطری؛ یعنی مستلزم آموزش و تمرین منظم‌اند (سیمونتون،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰، ص ۱۵۲). بر اساس یکی از تحلیل‌های صورت‌گرفته، کیگان<sup>۲</sup> معتقد است پیشرفت خلاقانه استثنایی، از دانشی عمیق و کاملاً سازمان‌یافته درباره موضوعی خاص، انگیزشی درونی، یعنی کارکردن به قصد خود کار، نه به قصد پاداش‌های بیرونی، و دلبستگی هیجانی قوی که سبب می‌شود فرد خلاق در مواجهه با موانع دل‌سرد نشود، نشئت می‌گیرد (کیگان، ۱۹۹۶، ص ۶۰). اما همچنان که درباره هوش نیز مطرح است، استعداد نیز اثر متقابل دو عامل وراثت و محیط است. بنابراین، استعداد خصیصه‌ای مادرزادی و تغییرناپذیر نیست، بلکه تحت زمینه‌های مساعد یا نامساعد محیطی و بر اثر تجربه تغییر می‌کند، رشد می‌یابد یا از رشد و شکوفایی باز می‌ایستد (شریفی، ۱۳۷۶). از این‌رو، توانایی‌های ما، نقش‌های حک‌شده بر سنگ نیست. اگرچه ممکن است ما با استعداد‌های متفاوتی زاده شویم، اما این استعدادها را می‌توان به تدریج پرورش داد (هفرن<sup>۳</sup> و بونیول،<sup>۴</sup> ۲۰۱۱، ص ۱۵۱).

علی‌رغم همه پیچیدگی‌های موضوع استعداد در مفهوم، و گستردگی‌هایش در کاربرد، پژوهش‌های دینی اندکی درباره آن صورت گرفته است. علاوه بر این، درک این نکته که از منظر آموزه‌های دینی، گونه‌گونی انسان‌ها در ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها، مایه خیر او و برابری در این ویژگی‌ها، به زیان او است<sup>۵</sup> (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۳)، ضرورت مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی موضوع استعداد را برجسته می‌کند. اهمیت موضوع استعداد از یک سو و فقدان پژوهش‌های روشمند دینی در حوزه مفهوم‌شناسی استعداد از سوی دیگر، موجب شد پژوهش درباره تبیین مفهومی و فرآیندی استعداد بر اساس منابع اسلامی صورت گیرد.

در اوضاع و احوالی که بررسی‌ها نشان از به‌کارنگرفتن واژه «استعداد» به معنای مصطلح و امروزی آن در منابع دینی دارد، بستر طرح این پرسش فراهم می‌شود که: مفهوم‌سازی استعداد در

1. Simonton, D. K

2. Keegan, R. T

3. Hefferon, K

4. Boniwell, I

۵. «الامام علی علیه السلام: لا يزال الناس بخير ما تفاوتوا، فإذا استؤوا هلکوا».

متون دینی چگونه صورت گرفته و چه مفاهیم و گزاره‌هایی ناظر به آن است؟ علاوه بر آن، فرآیند شکل‌گیری استعدادها در متون دینی چگونه تبیین شده است؟ روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است. در این روش، مفاهیم مربوط به استعدادها، انسانی، در کتاب‌های لغت و منابع دینی، بازشناسی و توصیف می‌شود و در نهایت داده‌های گردآوری شده، تبیین و تحلیل، و روابط میان آنها بررسی می‌شود.

## استعداد در اندیشه اسلامی

### تبیین مفهومی استعداد

استعداد، مصدر از ریشه (ع د د) به معنای قابلیت، گنجایش، ظرفیت، آمادگی، ذوق، قریحه و مزاج تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۲). در زبان عربی واژگان مختلفی معادل و هم‌معنا با مفهوم «استعداد» است، از جمله: «قُوَّة»، «امکان»، «قَرِيحَة»، «مُوهِبَة»، «عُدَّة»، «کمال»، «مَقْدِرَة»، «تَهْيَا»، «إبداع»، «تَسْزُن»، «قابلیت»، «عَبْقَرِيَة» و «ذَوْق» (ابن منظور، ۱۴۱۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷؛ قیومی، ۱۴۱۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴). اگرچه این واژگان از لحاظ لغوی با مفهوم «استعداد» هم‌معنا هستند، اما در متون دینی لزوماً اشعاری به موضوع استعداد ندارند. واژه «استعداد» که در متون روایی ذکر شده است<sup>۱</sup> (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۷؛ همان، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۳۱؛ سید ابن طاووس، ۱۴۱۹، ص ۳۱۲؛ لیبی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۳؛ سید رضی، ۱۴۰۴، خطبه ۲۳۰؛ آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۳۱؛ جوزی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۳۸) اشاره به نوعی آمادگی برای سرای آخرت دارد که در متون دینی از آن به «تَرَوْد» تعبیر می‌شود<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۷۵؛ بقره: ۱۹۷) و معنای مصطلح و

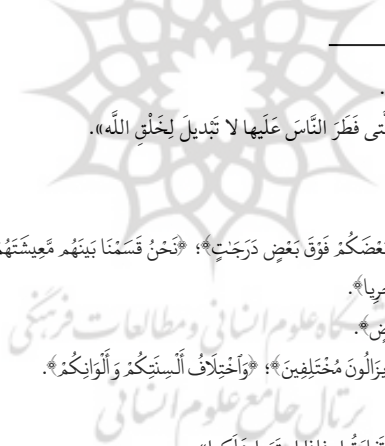
۱. «قيل لأمير المؤمنين عليه السلام ما الاستعداد للموت؟ قال: أداء الفرائض، واجتناب المحارم، والاشتمال على المكارم» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۷). «الامام على عليه السلام: إنما الاستعداد للموت تجنّب الحرام و بذل الندى والخير» (صدوق، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۳۱). «فاطمة عليها السلام في الدعاء عقيب صلاة الظهر: اللهم ... ارزقني حسن الاستعداد ليزول المنيا» (سید ابن طاووس، ۱۴۱۹، ص ۳۱۲؛ مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۸۶، ص ۶۶). «الامام على عليه السلام: من كمال الغرم الاستعداد للرحلة» (لیبی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۳). «الامام على عليه السلام: عليكم بالجد والاجتهاد، والتأهب والاستعداد، والترؤد في منزل الزاد، ولا تغتركم الحياة الدنيا كما غرت من كان قبلكم من الأمم الماضية والقرون الخالية» (سید رضی، ۱۴۰۴، خطبه ۲۳۰). «الامام على عليه السلام: خير الاستعداد ما أصلح به المعاد» (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۳۱؛ لیبی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸). «رسول الله ﷺ لما سُئل عن أكيس الناس وأحزمهم، قال: أكثرهم ذكراً للموت وأكثرهم استعداداً للموت» (جوزی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۳۸).

۲. «عن علي بن الحسين عليه السلام: فترؤدوا الأعمال الصالحة فيها [الدنيا] قبل تفرق أيامها و قبل الإذن من الله في خرابها فكان قد أخرجها الذي عمّرها أول مرة وابتدأها و هو ولي ميراثها فأسأل الله العون لنا و لكم على ترؤد التموى».

امروزی «استعداد» را افاده نمی‌کند؛ چراکه «استعداد» روایی صرفاً ناظر به وضعیتی اکتسابی است حال آنکه «استعداد» مصطلح، ریشه در توانایی‌های ذاتی و طبیعی انسان دارد<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۰).

با وجود آنکه واژه «استعداد» در متون دینی به معنای مصطلح به کار نرفته است، برخی واژگان قرآنی و روایی مانند «فطرت»<sup>۲</sup> (روم: ۳۰)، «ایتهاء»<sup>۳</sup> (طلاق: ۷)، «وسع»<sup>۴</sup> (بقره: ۲۸۶)، «درجات»<sup>۵</sup> (انعام: ۱۶۵؛ زخرف: ۳۲)، «تفضیل»<sup>۶</sup> (نساء: ۳۲)، «اختلاف»<sup>۷</sup> (هود: ۱۱۸؛ روم: ۲۲)، «اطوار»<sup>۸</sup> (نوح: ۱۴)، «تفاوت»<sup>۹</sup> (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۳) و نیز برخی مضامین روایی<sup>۱۰</sup> (سید رضی، ۱۴۰۴، خطبه ۱۴۴؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۶۸؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۶۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۷؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۵۴؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۵۲)، اشاره به استعداد داشته و حکایت از پرورش ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و استعداد‌های انسانی دارد.

از آنجا که گرایش‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسان که در اندیشه اسلامی تحت عنوان



۱. «الأناس معادن كمعادن الذهب والفضة».
۲. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ».
۳. «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا».
۴. «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا».
۵. «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ؛ «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا».
۶. «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ».
۷. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ؛ «وَأَخْتَلَفُ الْأَسْبَاطُ وَالْوَأَانُكُمْ».
۸. «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا».
۹. «الامام علی علیه السلام: لا يزال الناس بخير ما تفاوتوا، فإذا استوتوا هلكوا».
۱۰. «الامام علی علیه السلام: ألا إن تعالی الله قد كشف الخلق كشفة، لا أنه جهل ما أخفوه من مصون أسرارهم و مكنون ضمائرهم، ولكن ليلوهم أيهم أحسن عملاً، فيكون الثواب جزاء والعقاب بواء» (سید رضی، ۱۴۰۴، خطبه ۱۴۴). «سَكَرَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الحُرْفَةَ، فَقَالَ: أَنْظِرْ بِيَوْعَا فاشترها، ثُمَّ بَعْهَا، فَمَا رِيحَتْ فِيهِ فَالزَّمَهُ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۶۸؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۶۹). تفسیر علی ابن ابراهیم قمی: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا، قَالَ: عَلَى اخْتِلَافِ الْأَهْوَاءِ وَالْإِرَادَاتِ وَالْمَشِيئَاتِ» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۷). شرح اصول کافی صدرالدین شیرازی: «قوله: لا يكلف الله نفساً إلا وسعها، لا يكلف الله نفساً إلا ما آتاه، أي تكليف الله عباده لا يكون إلا بما يسعهم ولا يكون إلا بحسب ما اعطاهم من القوة والاستعداد والقدرة والاستطاعة» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۵۴). «عن أبي عبد الله علیه السلام قال: جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ يَنْفَعُهَا، وَبُغْضِ مَنْ أَضَرَ بِهَا» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۵۲).

«فطرت» از آن یاد می‌شود، در مفهوم‌سازی استعداد نقش اساسی دارند، در ادامه، این مفهوم کلیدی را تبیین می‌کنیم.

**فطرت:** واژه «فطرت»، مصدر نوعی است و کلمه‌ای که در این وزن استعمال شود، بر نوعی عمل یا حالتی خاص دلالت دارد. از این رو لغت‌شناسان «فطرت» را نوع خاصی از ایجاد، آفرینش و ابداع، تعریف کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۱۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۵۶). در قرآن کریم واژه «فطرت» فقط یک بار<sup>۱</sup> (روم: ۳۰) و مشتقات آن ۲۰ بار به کار رفته، که مبین نوع خاصی از آفرینش است. در روایات نیز بارها این واژه در همین معنا به کار رفته است (نک: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۲). موضوع فطرت، ظرفیت چشمگیری در نظریه‌پردازی دارد و در اندیشه اسلامی، «ام‌المسائل و بنیان معارف اسلامی» دانسته شده است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۸ و ۱۰۵). تبیین‌های مختلفی از معنای فطرت وجود دارد اما به طور کلی می‌توان آن‌ها را در سه محور ذیل خلاصه کرد: ۱. هر نوع گرایشی در نهاد انسان که دارای سه ویژگی عمومیت، غیراکتسابی بودن و ثبات باشد، از قبیل نیازهای غریزی گرسنگی، تشنگی و جنسی؛ ۲. فقط شامل گرایش‌ها و بینش‌های خاص انسانی می‌شود، از قبیل عشق به حقیقت و جمال و در رأس همه اینها، عشق به خدا؛ ۳. گرایش‌ها و بینش‌هایی که در نهایت به خداوند منتهی می‌گردد و چنین تمایلی صرفاً در انسان یافت می‌شود و دست‌کم در سایر حیوانات شناخته‌شده نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۵۸). با توجه به محورهای پیش‌گفته، فطرت «مجموعه‌ای از معرفت‌ها، گرایش‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که هنگام آفرینش انسان در او نهاده شده است» (همان، ص ۵۹)؛ و در موضوع محل بحث، فطرت، مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و گرایش‌هایی است که زمینه بروز استعداد را فراهم می‌آورد و در حقیقت، نقطه شروع و حرکت استعداد، چه از لحاظ مفومی و چه از لحاظ فرآیندی، وجود چنین قابلیت‌ها و گرایش‌هایی در انسان است که در صورت آمیخته‌شدن با فرصت، استعداد از وضعیت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل می‌شود.

**تعریف استعداد:** با توجه به توضیحات پیشین در تبیین مفهوم «استعداد»، استعداد از نگاه دینی «مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی انسان است که در زمینه‌ای خاص آشکار شده، زمینه‌ساز فضایل اخلاقی است و در جهت کمال و شکوفایی انسان قرار می‌گیرد».

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ».

## تبیین فرآیندی استعداد

نخستین گام در تبیین فرآیند شکل‌گیری استعداد در آموزه‌های دینی، حرکت از نقطه‌ای است که در اندیشه اسلامی از آن به «فطرت»<sup>۱</sup> (روم: ۳۰) تعبیر می‌شود. در واقع، «فطرت»، نقطه عزیمت شکل‌گیری و تحول استعداد است و اساسی‌ترین کلیدواژه در تبیین فرآیندی استعداد به شمار می‌رود. فطرت که مجموعه‌ای از معرفت‌ها، گرایش‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که هنگام آفرینش در وجود انسان نهاده شده است امکان دست‌یابی به اهداف را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، استعدادها جهت‌گیری مشخصی دارند و هدف‌مدارند که مطابق با آموزه‌های دینی این هدف «شکوفایی و کمال» انسان است. شکوفایی و کمال، ویژگی‌ای وجودی است که هر گاه انسان به آن توصیف شود، نشان از غنای واقعی فرد، در مقایسه با فرد دیگر دارد. تردیدی نیست که انسان، طالب کمال و شکوفایی است و عامل «فطرت» او را به سوی کمال دعوت می‌کند. در واقع، شکوفایی و کمال، به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه است و استعدادها در مسیر کشف، به فعلیت درمی‌آیند. اگر ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و قابلیت‌های بالقوه انسانی به صورت بالفعل درآید، مراحل کمال و شکوفایی فرد طی می‌شود. بر این اساس، شکوفایی، استفاده و بهره‌برداری کامل از استعدادها، ظرفیت‌ها و توان‌های بالقوه است.

اما مسیر شکوفایی، کمال و پرورش استعدادهای انسانی، مسیر همواری نیست بلکه همراه با «ابتلائات» فراوانی است<sup>۲</sup> (ملک: ۲؛ انبیاء: ۳۵). باید توجه داشت که «ابتلائات و آزمایش‌های الاهی»، به منظور کشف حقیقت برای خود انسان یا دیگران نیست؛ بلکه برای آن است که استعدادهاى نهفته انسان، به اراده و اختیار او پرورش یابد، به گونه‌ای که آنچه را در درون دارد، آشکار کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بدانید که خداوند متعال درون مردمان را آشکار ساخت نه اینکه از رازهای نهفته و درون‌های پوشیده‌شان آگاه نبود، بلکه تا آنان را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کنند»<sup>۳</sup>. پس می‌توان پی برد که این آزمایش‌ها نه برای پرده‌برداشتن از رازهای موجود، بلکه برای به فعلیت درآوردن استعدادهای نهفته است. آزمایش‌های الاهی، صفات انسانی را از نهانگاه

۱. ﴿فَطَرَتْ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾.

۲. ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (ملک: ۲)؛ ﴿وَتَبْلُوَكُمْ بِالسَّيْرِ وَالْأَخْرِ فِتْنَةً﴾ (انبیاء: ۳۵).

۳. «أَلَا إِنَّ تَعَالَى اللَّهُ قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَةً، لَا أَنَّ جَهْلَ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونِ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْنُونِ ضَمَائِرِهِمْ، وَلَكِنْ لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (سید رضی، ۱۴۰۴، خطبه ۱۴۴).



قوه و استعداد به صفحه فعلیت و کمال بیرون می‌آورد و از این منظر، آزمایش خدا، تعیین وزن نیست بلکه افزایش دادن وزن است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۶).

اکنون در نگاهی کلی می‌توان به فرآیندی اشاره کرد که استعداد از توان بالقوه به توان بالفعل تبدیل شده و در مسیر شکوفایی و کمال انسانی قرار گرفته است (نمودار ۱). خداوند متعال با ودیعت نهادن فطرت در وجود انسان وی را از گرایش‌ها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌هایی برخوردار می‌سازد که شکل‌دهنده استعدادهای او است. استعدادهای بالقوه آنگاه که با ابتلائات و تجربه‌های تأمل‌برانگیز زندگی همراه می‌شود موجب کشف استعداد می‌شود و زمینه شکوفایی استعدادهای او را در حوزه و قلمروی خاص فراهم می‌آورد.

نمودار ۱: تبیین فرآیندی استعداد از نگاه دینی



استعدادهای که بنیان و شالوده فضایل اخلاقی همچون خرد، شجاعت، اعتدال و عدالت‌اند، برای تبدیل شدن به فضیلت لازم است با سه مؤلفه دانش، مهارت و ارزش درآمیزند. وجود چنین آمیزه‌ای از استعدادهای، دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌ها و در پی آن شکل‌گیری فضایل، زمینه‌ساز شکوفایی و کمال انسان است که مقصد و هدف نهایی انسان تلقی می‌شود.

### مؤلفه‌های فرآیندی استعداد

۱. **قابلیت:** به توانایی ذاتی برای انجام‌دادن امور یا استفاده از مهارت‌های مخصوص در موقعیت‌های ویژه، «قابلیت» اطلاق می‌شود. واژه «فطرت» در نگاه دینی (روم: ۳۰)<sup>۱</sup> چنین توانایی‌های ذاتی‌ای را مفهوم‌سازی می‌کند. در واقع، فطرت نشان‌دهنده مجموعه‌ای از قابلیت‌های بینشی، گرایشی و کنشی

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَ لَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ».

است که خداوند متعال هنگام آفرینش در وجود انسان نهاده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۴۳۰). ممکن است دو نفر با بهره هوشی برابر، در اجرای یک مهارت متفاوت عمل کنند. زیرا یکی از آنها از قابلیت انجام دادن آن مهارت برخوردار است. در حقیقت، قابلیت، توانایی استفاده از مهارت‌ها برای به حداکثر رساندن اثربخشی است. مهارت‌ها می‌توانند آموخته شوند، اما قابلیت از درون برمی‌خیزد. هنگامی که مهارت و قابلیت در موقعیت فرصت طلبانه‌ای قرار می‌گیرند، نتایجی بالاتر از حد متوسط انتظار می‌رود.

۲. فرصت: استعدادها، برای به فعلیت رسیدن، نیازمند آنند که با فرصت‌ها پیوند بخورند. از آنجا که استعدادها در گام‌های آغازین خود، نهفته و بالقوه‌اند، لازم است فرصت و مجاللی برای بروز آن وجود داشته باشد. افراد ممکن است شخصاً به دنبال فرصتی برای نشان دادن استعدادهایشان باشند یا آنکه دیگران (والدین، مربیان، معلمان، همکاران، نهادها و مؤسسات مرتبط)، فرصت‌هایی را برای بروز استعدادها فراهم آورند. انسان‌ها به طور طبیعی این امکان را دارند تا بر استفاده از توانایی ذاتی‌شان تمرکز کنند. بنابراین، ممکن است فردی با استعدادی ویژه، خودآگاه یا ناخودآگاه، به دنبال فرصتی برای نشان دادن استعدادش باشد.

۳. فعلیت: همه موجودات زنده استعدادهای متفاوت و متعددی دارند که فراهم آمدن زمینه‌های مساعد، موجب بروز و ظهور و به فعلیت رسیدن نیروهای نهفته در آن موجودات می‌شود و با به فعلیت رسیدن استعدادها، این موجودات به چیزی دست می‌یابند که پیش از این، فاقد آن بودند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

۴. هدف: استعدادهای انسان، هدفی را تعقیب می‌کنند. اگر استعدادها از گذرگاه «خیر» عبور کنند، هدف استعداد چیزی جز کمال و شکوفایی انسان نخواهد بود (خطیب و پسندیده، ۱۳۹۶). انسان که کمال ذاتی خود را به سرعت یا به‌کندی از راه به دست آوردن استعدادهای تازه کسب می‌کند، در اثر آن استعدادها می‌تواند به مقامی از قرب و حدی از کمال برسد که فراتر از کرانه‌ای باشد که فرشتگان با نور ذاتی‌شان در ابتدای وجود خود رسیده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۲۶).

### بحث و نتیجه‌گیری

در نظام تربیتی اسلام که هدفش به کمال رساندن انسان است، تربیت و پرورش، چیزی جز شکوفاکردن استعدادهای درونی که به صورت بالقوه در انسان وجود دارد، نیست. استعداد در نگاه

دینی بر پرورش ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و گرایش‌هایی تمرکز دارد که در مسیر کمال و شکوفایی انسان است. انسان‌ها از نظر استعداد‌های طبیعی و ذاتی، بسان معادن زمین، گوه‌های وجودی متفاوتی دارند<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۰). درجات مختلفی از استعداد به انسان‌ها عطا شده است و از این حیث برخی بر برخی دیگر، برتری یافته‌اند<sup>۲</sup> (زخرف: ۳۲). این استعدادها با همه تفاوت‌ها در نوع و شدتشان، به یک ظرفیت مثبت وجودی در انسان اشاره دارند<sup>۳</sup> (نساء: ۳۲) و هدف از بعثت انبیا نیز شکوفاسازی این ظرفیت‌های مثبت است. برای رسیدن به این هدف، دو گام پیش روی انسان است: اول آنکه در راه شناخت استعداد‌های انسانی خویش و پرورش دادن آنها بکوشد؛ و دوم اینکه نظامی میان استعداد‌های انسانی برقرار کند تا توازن میان آنها ایجاد شود (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۶۸۹). در نظام تربیتی اسلام، انسان به تبع برخوردار از دو جوهر جسم و روح، یک سلسله قوای جسمانی و یک سلسله قوای روحانی دارد. با توجه به این قوا، دو نوع برجسته استعدادها شامل استعداد‌های جسمانی و استعداد‌های روانی از یکدیگر متمایز خواهند شد. در این بین، اگرچه در اندیشه اسلامی توجه به استعداد‌های جسمانی نادیده گرفته نشده و بر آن تأکید نیز شده است (همان، ص ۶۸۹ - ۷۰۳) اما تمرکز آموزه‌های دینی در موضوع استعداد، بر پرورش ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های روانی و اخلاقی انسان است.

پیش از این تبیین شد که در آموزه‌های دینی، بنیادی‌ترین و مهم‌ترین رکن در مفهوم‌سازی موضوع استعداد، مفهوم «فطرت» است. در حقیقت، نقطه عزیمت استعدادها، وجود چنین قابلیت‌ها و گرایش‌هایی در انسان است که در صورت فراهم آمدن فرصت شکوفایی، این توان بالقوه به وضعیتی بالفعل تبدیل خواهد شد. از سوی دیگر، هدف نهایی استعدادها، دستیابی به «شکوفایی و کمال» است. اما مسیر پرورش استعداد‌های انسانی و رسیدن به شکوفایی و کمال، همواره با «ابتلائات» و آزمایش‌های فراوانی همراه است<sup>۴</sup> (ملک: ۲)؛ آزمایش‌هایی که برای نمایان‌ساختن استعدادها و قابلیت‌ها است و «آزمایش‌های الهی» از این سنخ‌اند. هر آنچه ما روزمره به عنوان رویدادهای مسئله‌برانگیز در زندگی تجربه می‌کنیم و با آن مواجه می‌شویم از سنخ ابتلائات است و

۱. «الْأَنسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ».

۲. «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا».

۳. «وَلَا تَمَنَّؤْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ».

۴. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَوَةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا».

می‌تواند در کشف و شکوفایی استعدادها نقش داشته باشد.

اینکه ماهیت شکوفایی و کمال انسانی چیست به رویکرد و دیدگاهی که تعریف کمال و شکوفایی در بستر آن شکل می‌گیرد وابسته است. کمال انسان طبق دیدگاه «اصالت فرد»، مبتنی بر برخورداری هر چه بیشتر از لذایذ مادی است و برای رسیدن به آن باید با ابزار علم و تکنیک، از منابع و ثروت‌های طبیعی استفاده کرد تا زندگی مرفه‌تر و لذت‌بخش‌تری فراهم آید. مطابق با دیدگاه «اصالت اجتماع» کمال انسان در برخورداری دسته‌جمعی از مواهب طبیعی است و برای رسیدن به آن باید در راه رفاه همه طبقات اجتماع کوشید. دیدگاه اصالت فرد و اجتماع هر دو بر لذت‌ها و منافع مادی تأکید دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۵۰). اما به نظر می‌رسد کمال انسان، در رشد عقلانی و اخلاقی است که می‌تواند از راه تحصیل علوم، پرورش استعدادها و کسب فضایل اخلاقی به دست آید. لذا مقصود از استعداد، توانایی‌ها و قابلیت‌های ویژه‌ای است که زمینه رشد و پیشرفت فرد را در جهت شکوفایی و کمال فراهم می‌آورد و فرآیند دستیابی به اهداف الهی را سرعت می‌بخشد. این مسیر طولانی، با مداخله مؤثر و کارآمد استعدادهای انسانی صورت می‌پذیرد و رسیدن به شکوفایی و کمال انسانی بدون مد نظر قراردادن سازه استعداد، معنا و مفهومی نخواهد داشت.

در این پژوهش، اگرچه موضوع استعداد از لحاظ مفهومی و فرآیندی بر اساس منابع دینی تبیین شد، اما محدودیت‌های پژوهشی همواره جای بررسی و نقد و توسعه این مفهوم را باقی می‌گذارد. علاوه بر این، بررسی انواع استعداد، تدوین الگوی استعداد و تهیه ابزار سنجش آن با نگاه دینی از جمله موضوعات مهمی است که مجال پرداختن به آن در این مقاله فراهم نشد. کاوش در این موضوعات، عرصه‌های جدیدی را فراروی محققان و پژوهشگران در حوزه دین قرار می‌دهد.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث والاثر، قم: اسماعیلیان.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: منشورات جهان.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۴). کتاب من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۸). علل الشرائع، بیروت: دار احیاء التراث.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۴۰۴). الشفاء؛ الطبیعیات، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم: مكتبة الاعلام الاسلامی.  
ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۶). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۳). غرر الحکم، ترجمه و شرح: محمد خوانساری، تهران: دانشگاه تهران.  
باقری، خسرو (۱۳۷۷). «در باب استعداد آدمی: تحقیقی در فلسفه تعلیم و تربیت»، در: روش شناسی علوم انسانی،  
ش ۱۴ و ۱۵، ص ۸۵ - ۹۱.

جوزی، اسماعیل بن محمد (۱۴۱۴). الترغیب والترهیب، قاهره: دار الحدیث.  
خطیب، سید مهدی؛ پسندیده، عباس (۱۳۹۶). تدوین الگوی استعدادهای انسان از دیدگاه اسلام، قم: بی نا.  
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.  
زبیدی، سید محمد (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.  
سید ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۹). فلاح السائل، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
سید رضی، محمد بن الحسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم: هجرت.  
شریفی، حسن پاشا (۱۳۷۶). نظریه و کاربرد آزمون های هوش و شخصیت، تهران: سخن.  
صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.  
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة.  
قمی، علی ابن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر القمی، قم: دار الکتب.  
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی، تصحیح: علی اکبر الغفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
لیثی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ، قم: دار الحدیث.  
مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۸). بحار الانوار، تهران: المکتبه الاسلامیه.  
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). به سوی خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.  
مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی: جامعه و تاریخ، تهران: صدرا.  
مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.  
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Callahan, C. M. (2009). "Giftedness, Definition", In: Kerr, B. (Ed.), *Encyclopedia of Giftedness, Creativity, and Talent*, Vol. 2, Sage.

Davidson, J. E. (1986). "The Role of Insight in Giftedness", In: R. J. Sternberg & J. E.

Davidson (Eds.), *Conceptions of Giftedness* (pp. 201–222), New York: Cambridge

- University Press.
- Hefferon, K.; Boniwell, I. (2011). *Positive Psychology: Theory, Research and Applications*, McGraw-Hill Education (UK).
- Keegan, R. T. (1996). "Creativity from Childhood to Adulthood: A Difference of Degree and Not of Kind", in: *New Directions for Child and Adolescent Development*, 72: 57-66.
- Kerr, B. (Ed.) (2009). *Encyclopedia of Giftedness, Creativity, and Talent*, Sage.
- Kline, P. (2013). *Handbook of Psychological Testing*, London: Routledge.
- Renzulli, J. S. (1986). "The Three-ring Conception of Giftedness: A Developmental Model for Creative Productivity", in: R. J. Sternberg & J. E. Davidson (Eds.), *Conceptions of Giftedness* (pp. 53-92), New York: Cambridge University Press.
- Seligman, M. E. P.; Mihaly, C. (2000). "Positive Psychology: An Introduction", in: *Journal of American Psychologist*, 55 (1): 5-14.
- Simonton, D. K. (2000). "Creativity: Cognitive, Personal, Developmental, and Social Aspects", in: *American Psychologist*, 55 (1): 151-158.
- Sternberg, R. J. (1986). "Atriarchic Theory of Intellectual Giftedness", In: R. J. Sternberg & J. E. Davidson (Eds.), *Conceptions of Giftedness* (pp. 223-243), New York: Cambridge University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

